



مطالعه انواع الگوهای تربیتی برای کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلامی با تأکید بر سیره رضوی

زهره ثقه الاسلامی

کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران

نعمت فیروزی

استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران

آزاده محولاتی

استادیار، گروه روانشناسی و مشاوره، دانشگاه بین المللی امام رضا ع، مشهد، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مطالعه انواع الگوهای تربیتی کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلامی با تأکید بر سیره رضوی است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد استنباطی است. در دیدگاه رضوی شاهد این شیوه از تربیت به اشکال مختلف هستیم؛ به این ترتیب زمانی امام رضا علیه السلام با ارائه دادن الگو از خویش یا اشخاصی که در گذشته تحقق خارجی داشته بودند و روش زندگی آنها در جامعه از رونق و درخشش خاصی برخوردار بود، سعی داشتند رفتار مطلوب را به شکل عملی به متربی ارائه دهند. انواع الگوهای تربیتی نوجوانان از دیدگاه اسلامی با تأکید بر سیره رضوی به بصیرت و انتخاب، الگوی تربیت دینی، شناخت روحیه نوجوان و مانند اینها ارتباط دارد. امام رضا علیه السلام به عنوان الگوی فکری و رفتاری مسلمانان، روشهای تربیتی خاصی را مطرح کرده اند که لازم است جامعه دینی با این روشها و آداب تربیتی آشنا باشد و از آنها برای رشد و تربیت نوجوانان بهره مند شود.

واژگان کلیدی: الگوهای تربیتی، سیره رضوی، کودک و نوجوان

مقدمه

تربیت و اخلاق یکی از اساسی‌ترین و مؤثرترین مسائل جوامع بشری است که رشد و کمال واقعی جوامع بشری در آن صورت می‌گیرد و به سر منزل مقصود می‌رسد. در واقع، تربیت و اخلاق، حیاتی‌ترین عناصر زندگی انسان است که با سعادت و بدبختی جوامع بشری ارتباط مستقیم دارد (علی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲). در این میان تربیت دینی نوجوانان امری ضروری و مهم است و حداقل از دو منظر فردی و اجتماعی می‌توان به این ضرورت پرداخت. دین از نظر فردی اساس و خمیرمایه تمام شئون و ابعاد زندگی انسان و عامل بسیاری از رشدها و رکودهاست. امانت‌های الهی بسیاری وجود دارد که به دلیل بی‌توجهی والدین نوجوانان به جنبه‌های عقیدتی و اعتقادی آنها متزلزل می‌شود یا نوجوانان را می‌شناسیم که در آینده نزدیک بتوان آنها را به عنوان اعضای مفید خود و جامعه تربیت کرد؟ تربیت دینی کنترلی بر اخلاق و قاعده‌ای برای زندگی فردی و اجتماعی در جهت رشد معنویت و آرمان‌گرایی است. دین می‌تواند سوپرایگو یا وجدان اخلاقی انسان را تقویت کند و زمینه را برای گسترش دانش او فراهم کند. حجاب‌های شک در سایه آن برداشته می‌شود و انسان به مراحل از تکامل می‌رسد که در سایه استدلال عقلی امکان‌پذیر نیست. تربیت دینی انسان را از سقوط اجتناب‌ناپذیر نجات می‌دهد و او را رشد و تعالی می‌بخشد. دین در بعد اجتماعی عامل انسانیت و محبت و نیز عاملی برای کنترل فرد در جامعه است تا خود را از پلیدی دور نگه دارد (سادات‌نجومی، ۱۳۹۰: ۲۱). شیوه تربیتی امام علی بن موسی الرضا (ع) یکی از ابعاد سبک زندگی آن حضرت است. آموزش باورها و جهان‌بینی، رویارویی با فرقه‌های انحرافی و نهضت ترجمه، آشنا کردن متریبان با آموزه‌های اخلاقی، ایجاد فضای مساعد تربیتی در جامعه از مهم‌ترین روش‌های تربیتی شناختی امام رضا (ع) در تربیت اخلاقی است. پذیرش ولایت عهدی، سفر به مراکز علمی، مناظره‌ها، موعظه، تشویق و تنبیه، امر به معروف و نهی از منکر، مراقبت و نظارت و پرهیز از معاشرت متریبان با صاحب رذایل اخلاقی از مهم‌ترین روش‌های رفتاری امام رضا (ع) در تربیت اخلاقی است (شریفی، ۱۴۰۰: ۲۰۳).

علیرغم اینکه دین همواره در جامعه ما مبنای جدی داشته و اخلاق مبنای دین است و حقیقت انسان حقیقتی الهی و اخلاقی است، اما همچنان شاهد بحران‌های اخلاقی مهمی هستیم. یکی از بارزترین علل مشکلات اخلاقی در جامعه ما عدم توجه به تربیت اخلاقی و آموزش مفاهیم اخلاقی در خانواده‌ها و مدارس است. در طول تاریخ، کمال انسان هدف تربیت اخلاقی بوده است. تربیت اسلامی متأثر از ارزش‌ها و آرمان‌های برخاسته از آموزه‌های دینی و جهان‌بینی اسلامی، به دنبال اهدافی چون رشد و هدایت، طهارت و حیات طیبه، ایمان و تقوا، قرب الهی، رضایت از وحدت، عبادت و بندگی است؛ به طوری که هدف از تربیت دینی در جامعه اسلامی شکل دادن به باورها و ایمان فراگیران، مطابق با ارزش‌ها و آموزه‌های دینی است (حسینی و حیدری، ۱۴۰۰: ۵). از ویژگی‌های بارز تعلیم و تربیت اسلامی، نقش هدایتی آن است، هدایت انسان بسوی تکامل و سعادت دنیوی و اخروی. امام رضا علیه السلام در حدیثی گهربار می‌فرماید: امام حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌کند و حدود او را جاری می‌نماید و از دین خدا دفاع نموده، با حکمت و موعظه نیکو و دلیل قاطع، مردم را به راه پروردگارش فرا می‌خواند، امام همچون خورشید درخشان جهان است، خورشیدی که دور از دسترس دست‌ها و چشم‌ها در افق قرار دارد، امام، ماه نورانی، چراغ درخشان، نور ساطع و ستاره راهنما در دل تاریکی‌ها و صحرای خشک و بی‌آب و علف و موج‌های وحشتناک دریاها است. امام همچون آب گوارا بر تشنگان است، راهنمای هدایت و منجی از هلاکت است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۴۵۰). زندگی سبک رفتار، کیفیت رفتار در بین مردم و الگو و روش رفتار افراد در زندگی است. پس سیره امام رضا علیه السلام، یعنی سبک رفتار و کردار در طول عمر و نحوه برخورد و نوع رفتار و کیفیت رفتار ایشان در ابعاد فردی، اخلاقی، اجتماعی و غیره است (زارعی‌سبزواری، ۱۳۹۰: ۱۵). به علاوه، امام رضا علیه السلام برای ترویج اخلاق و صفات پسندیده، سخنانی بیان فرموده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: «چون روز قیامت شود، ندا دهنده‌ای ندا دهد: کجایند صابران و کجایند متصبران؟ پس گروهی از مردم بر می‌خیزند. سپس فرمود صابران کسانی هستند که در انجام فرایض و واجبات شکیبایی می‌ورزند، متصبران آنانند که در اجتناب از حرام‌ها، شکیبایی را به جان می‌خرند» (ابن‌شعبه‌الحرانی، ۱۳۶۳: ۲۹۶).

رسول اکرم (ص) فرمودند: «فرزندانتان را به سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبرانشان، دوستی اهل بیتش و تلاوت قرآن» (قندوزی، ۱۴۲۲ق: ۲۷۱) و نیز فرمودند: «فرزند صالح، گلی است از بوستان بهشت» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۹۷) و در جای دیگر فرمودند: «فرزند صالح، نشانه‌ی خوشبختی فرد است (همان: ۹۷). توجه به تربیت، توجه به حیاتی‌ترین مقوله‌ی انسانی است. همه‌ی

بسامان‌ها و نابسامانی‌ها، صلاح‌ها و فسادها، سعادت‌ها و شقاوت‌ها به نوع تربیت باز می‌گردد. تربیت از حیاتی‌ترین ابعاد زندگی انسان است و در پرتو آن، انسان به سعادت مطلوب نایل می‌شود. بزرگ مربی اسلام حضرت علی (ع)، بارها و بارها در سخنان خود، به بیان این مهم پرداخته و آثار و نتایج مثبت تربیت فرزند و پی‌آمدهای منفی بی‌توجهی به آن را بیان کرده‌اند. امام علی (ع) به تربیت فرزند، فراتر از تأمین نیازهای جسمی و عاطفی آن نگرسته و آن را عطیه‌ی الهی شمرده‌اند که در پرتو تربیت سازنده به کمالات انسانی خواهد رسید. ایشان تربیت و ادب‌آموزی را میراثی بی‌مانند تلقی کرده‌اند (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۶: ۳۵۳). حضرت علی (ع) فرمودند: «هیچ بخشی از جانب پدر به فرزند، برتر از ادب و تربیت نیکو نیست» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۵).

اسلام در تربیت، چهره‌ی ممتازی دارد و برخلاف نظام‌های متداول تربیتی که فاقد جهت متعالی و هدف الهی هستند، دارای زیر بنای معنوی و جهان‌بینی خدایی است و جهان را از دایره‌ی تنگ ماده پرستی و طبیعت‌گرایی فراتر می‌برد و در آن آموزش و پرورش براساس متافیزیک، اعتقاد به اصول دین و پایه‌های انسانی شکل می‌گیرد. برای شکوفا شدن فطرت و استعدادها، محیط تربیتی لازم است و گر نه استعدادهای درونی انسانی در جهت خیر و صلاح رشد نمی‌یابند. اسلام برای تطابق روش تربیتی خود با فطرت انسان به همه‌ی جهات تربیتی و مراحل رشد آدمی توجه دارد و برای هر وضعیت و موقعیتی، دستورهای تربیتی خاصی ارائه می‌دهد (اسحاقی، ۱۳۸۱: ۱۸). بچه‌ای که از پدر و مادر پاک دل و پرفضیلت پدید آمده است، زمینه‌های مساعد را برای صفات پسندیده دارد، ولی اگر او را از کودکی در محیط فاسد ببرند و به دست افراد کثیف و بداخلاقی بسپارند، سرانجام یک فرد کثیفی از آب در می‌آید و هرگز صفات خانوادگی و زمینه‌های موروثی در برابر قدرت تربیت تاب مقاومت ندارد.

خاندان نبوتش گم شد

پسر نوح با بدان بنشست

برعکس بچه‌هایی که از پدران و مادران ناپاک دل و پلید متولد شده‌اند و صفات موروثی در آنان زمینه‌های نامطلوبی را به وجود آورده است، اگر در محیط خوبی واقع شوند و مربیان شایسته‌ای آنان را تربیت کند، می‌توانند افراد خوب و با فضیلتی بار آیند (فلسفی، ۱۳۷۸: ۱۳۵). قرآن، یکی دیگر از انگیزه‌های ارسال پیامبران الهی را تلاوت آیات الهی بر مردم معرفی و هدف اصلی از نبوت را تلاوت کتاب، تزکیه و تعلیم آیات و حکمت (سخن استوار) بیان می‌کند و می‌فرماید: «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (سوره جمعه، آیه ۲) و در برخی آیات، قرآن را عامل هدایت و ارشاد معرفی می‌کند: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (سوره اسراء، آیه ۹). عظمت و قداست قرآن تاجایی است که رسول اکرم (ص) قرائت آن را بزرگترین عبادت‌ها می‌داند و بهترین انسان‌ها را کسی می‌داند که قرآن را فرا بگیرد و به دیگران نیز تعلیم دهد (شرفی، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

همان گونه که گفته شد، تربیت دینی مانند سایر جنبه‌های تربیتی مانند تربیت بدنی، روانی، اخلاقی و... فرآیندی دو سویه است که باید آموخت و به کار بست. با این تفاوت که این نوع آموزش نسبت به سایر انواع آموزش اهمیت بیشتری دارد و باید با دقت و ظرافت خاصی انجام شود. تربیت دینی روشی است که پیامبران و بزرگان دین در طول تاریخ از آن استفاده کرده‌اند. از یک سو توجه مردم را به پایان زندگی و پیامدهای آن معطوف داشته و از سوی دیگر کمال واقعی انسان را در رشد ایمان به خدا و نشانه‌ها و سعادت در دنیا دانسته‌اند، یعنی علاوه بر مطلوبیت زندگی آرام در نزد عموم مردم، بر کمال واقعی که همان سعادت اخروی است تأکید کرده و انسان را موجودی جاودانه معرفی کرده‌اند. لذا، مهم‌ترین مسئله تحقیق حاضر، راهبردهای تربیتی کودکان و نوجوانان مبنی بر نگرش اسلامی با تأکید بر دیدگاه رضوی بود.

مرور پیشینه پژوهشی

خواجه‌یوبی‌بازمانده و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تربیت کودکان و نوجوانان با روش الگویی (با تأکید بر سیره معصومین علیهم السلام)» بیان نمودند هدف این پژوهش تبیین نقش روش الگو در تربیت کودکان و نوجوانان است. یکی از جامع‌ترین و مؤثرترین روش‌ها در تربیت، روش تربیت نمونه است که در تمامی امور و مراحل زندگی نقش عملی و فراگیر دارد. این تحقیق پس از جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی با رویکرد تحلیلی-توصیفی با مطالعه منابع تبیین شده است. یافته‌ها و نتایج تحقیق نشان داد: این روش از آنجایی که محتوای آموزش را به صورت عینی و عملی ارائه می‌کند، در انتقال مفاهیم و آموزش برنامه‌های



آموزشی، کسب فضایل پسندیده و دوری از رذایل اخلاقی بسیار مؤثر و مهم است. ائمه (ع) در سیره معصومین (ع) الگوها و نمونه‌هایی را برای خود برگزیده و مردم به ویژه کودکان و نوجوانان را به انتخاب آنها سفارش و توصیه کرده‌اند. امروزه بر خلاف الگوهای دنیا که به عنوان نمونه و الگو به کودکان و نوجوانان معرفی می‌شود و مسیر تربیت و هدایت نیز به دنیاپرستی و شهوترانی منتهی می‌شود، کودکان و نوجوانان باید به ترتیب الگوی واقعی باشند. قرآن کریم و ائمه (ع) شناسایی و به آنها توجه ویژه‌ای داشته باشد.

امامی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «زمینه‌ها و عوامل مؤثر در تربیت دینی فرزندان با تأکید بر نقش زنان» بیان نمود سبک زندگی که شیوه‌ای از زندگی است متأثر از فرهنگ است و هر فرهنگی به نوبه خود نظام و ساختار خاصی را برای زندگی فردی و اجتماعی تعریف می‌کند. فرهنگ به عنوان منشأ و خاستگاه مجموعه‌ای در هم تنیده از الگوهای خاص زندگی، کلیتی منسجم و متمایز را در قالب سبک زندگی ایجاد می‌کند. هفتمین توصیه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم سبک زندگی اسلامی است. سبک زندگی اسلامی نیز مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های دینی، احکام و تکالیف دینی و ارزش‌های اخلاقی است که یکی از موضوعات مهم در سبک زندگی اسلامی است. خانواده یکی از ارکان اصلی خانواده و یکی از مهمترین و سازنده‌ترین نقش‌هاست. آنچه یک زن می‌تواند در خانواده ایفا کند نقش مادر است. زن به عنوان یک مادر می‌تواند بذر ایمان را با عاطفه و محبت در عرصه اعتقاد و عبادت در نهاد کودک بارور کند که یکی از مهم‌ترین شئون تربیت دینی در دوران کودکی به شمار می‌رود، مشروط بر اینکه خود دارای روحیه دینی و مذهبی باشد. تربیت دینی و با عمل و رفتار نیکو و پسندیده او را باید به کودک آموزش داد که بسیار مورد تأکید بزرگان دین است.

خادمی‌ماشاری (۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی فرزندان با تأکید بر نقش والدین در قرآن و روایات» بیان نمود آسیب‌شناسی تربیت دینی یکی از مباحث مهم در عرصه تربیت است. یکی از عوامل مؤثر در تربیت دینی فرزندان، والدین هستند که سهمی از آسیب تربیت دینی فرزندان خود را نیز به خود اختصاص داده‌اند. اهداف تربیت دینی را می‌توان در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری تعریف کرد. در این پژوهش آسیب‌شناسی تربیت دینی کودکان به روش توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که اگر والدین از تربیت دینی آگاهی درستی نداشته باشند و یا دانش صحیح را در اختیار فرزندان خود قرار ندهند، به تربیت دینی آنان آسیب وارد کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین شناخت‌ها، اعتقادات دینی است و در این میان، خداشناسی بالاترین اهمیت را دارد. تحقق تربیت دینی در گرو ایجاد پیوند عاطفی بین والدین و فرزندان است. عدم محبت و احترام به فرزندان باعث کاهش دلبستگی و اطاعت از والدین در تربیت دینی شده است. از سوی دیگر، محبت بیش از حد نیز مضر است و مجموع کمبودهای عاطفی، امنیت کودکان را به خطر انداخته است. بدرفتاری والدین از دیگر آسیب‌های مهم تربیت دینی است که باید به آن توجه کرد. برخی از این رفتارها مربوط به روش‌های مضر والدین در تربیت دینی است. والدینی که به انگیزه‌های درونی فرزندان خود توجهی ندارند و با تحمیل آموزه‌های دینی سعی در دینداری فرزندان خود دارند، روشی مضر را در پیش گرفته‌اند. تنبیه بیش از حد، تشویق بیش از حد، توبیخ مکرر، تبعیض در رعایت حقوق و امر و نهی صریح و مکرر نیز از روش‌های مضر است که واکنش‌های منفی کودکان را در تربیت دینی به همراه دارد. بخشی دیگر از رفتارها مربوط به نداشتن مهارت لازم در امر تربیت دینی است. موانع مشترکی که بین والدین و فرزندان وجود دارد، مهارت‌های ارتباطی مؤثر را با مشکل مواجه کرده است که مهم‌ترین آن نگرش منفی نسبت به فرزندان است. مهارت گوش دادن مؤثر مهارت بسیار مهمی است که والدین گاهی اوقات از آن غفلت می‌کنند. همچنین والدینی که مهارت قاطع ندارند به تربیت دینی فرزندان آسیب وارد کرده‌اند.

بیانی و سبحانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی و دین‌پذیری کودکان» بیان نمودند از دیرباز موضوع تعلیم و تربیت و شیوه‌های دستیابی به آن دغدغه فکری بشر بوده و همواره در همه اعصار مورد توجه بوده است. در این راستا، پژوهش نشان دهنده ارتباط تنگاتنگ اسلام و آموزش و پرورش است و به عبارتی دین مسیر تعالی، رشد و تربیت صحیح را برای انسان هموار کرده است. مقاله حاضر با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، اطلاعات مربوط به این موضوع را گردآوری و تحلیل کرده است. در این مقاله سعی شده است به مراحل سنی تربیت دینی کودکان و الزامات آن و تأثیر وراثت و محیط در تربیت فرزندان و نیز روش‌ها و ابزارهای مختلف تربیت دینی پرداخته شود. بر اساس بینش اسلامی، هر انسانی با فطرت الهی و گرایش به خداشناسی متولد می‌شود. ساختار انسان به گونه‌ای است که او را به خدا می‌رساند و فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست. بلکه همه انسان‌ها در آغاز زندگی از

استعدادهای خاصی برای حقیقت‌جویی و رسیدن به کمال بهره می‌برند. در تربیت دینی کودک نه تنها والدین و مربیان، بلکه همه اعضای خانواده و افرادی که به نحوی با او به دلایل تربیتی برخورد می‌کنند، دخالت نسبی دارند و در صورت عدم آگاهی از روش‌های صحیح تربیتی، می‌توان گفت ممکن است که نتایج بد آنها را در بزرگسالی تحت تاثیر قرار دهد.

هادیان‌رسانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی عوامل موثر بر تربیت دینی دختران» بیان نمود یکی از مسائل مغفول مانده در خانواده که باعث آسیب به تربیت دینی فرزندان در مقوله عفاف و حجاب می‌شود، بی‌توجهی یا عدم توجه به حیا و حفظ آن در فرزندان از همان ابتدای تولد و مسئله روند تربیت است. از دیگر عوامل مضر در این زمینه؛ ناهماهنگی والدین با یکدیگر در خانواده، عدم انتقال حس ارزشی حجاب به فرزندان از طریق گفتمان خانوادگی و بی‌توجهی والدین به دوره‌های آموزشی کودک (در روایات ذکر شده)، رسانه و معاشرت خانوادگی نیز از دیگر مواردی است که بی‌توجهی در نحوه برخورد با آنها آثار نامطلوبی در تربیت دینی دختران از نظر حیا و حجاب دارد. این مقاله به بررسی برخی از آسیب‌ها و راهکارهای قرآن و سنت برای بهبود آنها می‌پردازد. این پژوهش از نوع کاربردی است و با هدف بررسی آسیب‌های مطرح شده در عوامل تربیت دینی دختران در مقوله عفاف و حجاب در حوزه خانواده انجام شده است.

ثامنی و حق‌پناه (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های مؤثر در تربیت مذهبی فرزندان» بیان نمودند اجرای تربیت دینی بدون شناخت مؤلفه‌های مؤثر آن غیرممکن است. با مراجعه به متون اسلامی و تربیتی می‌توان گفت که چهار عامل عمده در تربیت دینی کودکان مؤثر است. این عوامل عبارتند از: وراثت، طبیعت، تغذیه و عوامل محیطی و مرتبط با محیط (که نمونه‌های زیادی را شامل می‌شود). بر این اساس در این مقاله به تبیین و توصیف بیشتر این مولفه‌ها در تربیت دینی کودکان و اهمیت آن از دیدگاه اسلامی با تاکید بر سیره رضوی می‌پردازیم.

چگونگی تربیت الگو

از منظر سیره رضوی، تربیت الگویی می‌تواند به صورت‌های گوناگونی مانند ارائه الگو، پردازش الگو و الگودایی صورت پذیرد که در ذیل به تبیین آنها می‌پردازیم:

۱- ارائه عینی رفتار الگو

امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به سؤال صفوان از آیه ۶ سوره مائده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا مفصل [= برآمدگی پشت پا] مسح کنید! و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید)! و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [= قضای حاجت کرده]، یا با زنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت [= پیشانی] و دست‌ها بکشید! خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید!»، به شکل عملی به او توضیح می‌دهد که با دست راست آب را از آرنج دست چپ ریخته، سپس آن را تا کف دست می‌کشید (عیاشی، بی‌تا، ۱: ۳۰۰). شاید بهترین مصداق برای تربیت الگویی همین باشد که مربی در مقام عمل یک الگوی تمام عیار برای متربیانش خود باشد؛ چرا که متربی قول و فعل مربی را هماهنگ می‌بیند و نظریه و عمل را با هم تجربه می‌کند. با این عمل، صداقت مربی برای متربی ثابت می‌شود و شک و تردید متربی را برای الگوبرداری از بین می‌برد. بدین سبب امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «کونوا دعاة الناس بغير السننکم، لیروا منکم الوریع و الاجتهاد و الصلاة و الخیر فان ذلک داعیه»؛ امام رضا علیه‌السلام در این جمله، عمل انسان یعنی تقوای عملی، تلاش و کوشش، نماز و کارهای خیر را هدایت‌گر دانسته و می‌فرماید: «با غیر زبان، مردم را به سوی حق دعوت نمایید» (کلینی، ۱۳۸۸ هـ ۲: ۸۳).

امام رضا علیه‌السلام نه تنها با گفتار، کردار و سکوت معنادار خود، دلیل به سوی رضای الهی است؛ بلکه صفات او نیز به این مقصد بلند دلالت می‌کند. در واقع تمام شئون وجودی امام معصوم در نظام هستی، چنین راهنمایی و دلالتی را به همراه دارد. بنابراین می‌توان از سیره امام رضا علیه‌السلام در شئون مختلف الگو گرفت؛ چنان که آورده‌اند مأمون پس از آوردن ایشان به مرو، جلسات علمی متعددی با حضور آن حضرت و دانشمندان گوناگون تشکیل داد. او می‌خواست با کشاندن امام رضا به بحث، تصویری را که عامه مردم درباره اهل بیت علیهم‌السلام داشته و آنها را صاحب علم خاص می‌دانستند، از بین ببرد (جعفریان، ۱۳۸۳: ۴۴۲). در این جلسات، جدال‌های بسیاری میان امام و دیگران صورت می‌گرفت که به طور عمده پیرامون مسائل اعتقادی و فقهی بود. با مطالعه در گفت‌وگوهایی که میان امام رضا علیه‌السلام با مخالفانشان رخ داده، مشخص می‌شود که ایشان بدون کوچک‌ترین اهانت، بی‌ادبی، گستاخی و حرف زشت با آنها بحث و گفت‌وگو کرده و کمال ادب را به کار برده است. ابراهیم بن عباس روایت می‌کند: «هرگز ندیدم امام رضا علیه‌السلام با کلامی در گفتارش به کسی جفا یا درستی کرده و هیچ گاه ندیدم سخن کسی را قطع کند. صبر می‌کرد تا طرف سخنش تمام شود و بعد اگر لازم می‌دید کلامی می‌گفت» (صدوق، ۱۳۷۲: ۲: ۴۳۲). بی‌تردید مبنای اساسی این رفتار و روش عملی امام رضا علیه‌السلام با پیروان سایر ادیان، الگوهای رفتاری قرآن کریم و استمرار سیره نبوی است.

همچنین امام رضا علیه‌السلام با ارائه الگو از افرادی که در گذشته تحقق خارجی داشته‌اند و سنت و روش زندگی آنها در جامعه از رونق و درخشش خاصی برخوردار بوده، خصوصیات شخصیتی و سیره فردی و اجتماعی آنها را برای متربی تبیین می‌نماید. چنان که ایشان در مناسبت‌های مختلف به معرفی اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته و در خطبه‌ای آنها را چنین معرفی می‌فرماید: «ای پروردگار من، تویی که حق ما اهل بیت را عظیم مقرر داشتی تا مردم به امر تو دست به دامن ما شوند، از ما یاری طلبند، امیدوار کرم تو باشند و رحمت را بجویند، به احسان تو چشم دوزند و بخششت را طلبند» (همان: ۳۸۵). در برخی روایات دیگر با استفاده از تعبیر تمثیلی، الگو بودن و راهبری ایشان را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ چنان که امام رضا علیه‌السلام به نقل از پیامبر، اهل بیت علیهم‌السلام را به «سفینه نجات» و «کشتی نوح» تشبیه کرده و مردم را به تبعیت از ایشان فرا خوانده و می‌فرماید: «مثل اهل بیت من در بین شما، مثل کشتی نوح است که هرکس در آن در آمد، نجات یافت و هرکس تخلف کرد، در آب غرق و در آتش پرت شد» (صدوق، ۱۳۷۲: ۲: ۱۰). همه این‌ها برای ارائه الگوی مطلوب و متعالی به متریبان مکتب تربیتی اسلام است.

۲- پردازش الگو

در سیره رضوی شاهدیم که زمانی پیشوای هشتم شیعیان الگوهای مطلوبی را در نظر گرفته، به بیان و توصیف ویژگی‌های آنها می‌پردازد و زمینه را طوری فراهم می‌کند که مربی را به تخیل و تجسم یک الگو یا صحنه و واقعه‌ای بکشاند. از منظر امام رضا علیه‌السلام بهترین بندگان کسانی هستند که هرگاه نیکی کنند با بشارت و روی خوش است، هرگاه بدی کنند آمرزش طلبند، هرگاه اعطاء شوند شکرگزار باشند، هرگاه آزمایش شوند صبر کنند و هرگاه خشمگین شوند ببخشند (حرانی، ۱۳۸۹: ۳۲۸). در آیه‌ای در توصیف مؤمن فرموده‌اند: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا؛ دَانَايِ غَيْبِ اَوْسَتْ وَ هِیْجَ کَسَ رَا بَرِ اسْرَارِ غِیْبِش اَگَا هِیْجَ نَمِی سَاژِد» (سوره جن، آیه ۲۶)، پیروی از پیامبرش که مدارا با مردم است: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ؛ (به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن)!» (سوره اعراف، آیه ۱۹۹) و پیروی از ولی خدا که صبر در سختی‌هاست» (کلینی، ۱۳۸۸: ۲: ۲۴۱). ایشان با بیان خصوصیات، علامات و نشانه‌ها و تصویرسازی، آن‌ها را که برای مخاطب قابل رؤیت نیستند، عینیت بخشیده تا به این مهم دست یابند. این ویژگی‌ها سبب می‌شود تا متربی حرکات خود را مطابق با آنها هماهنگ و تنظیم و از همان الگو، پیروی کند. توصیف برخی از اوصاف مثبت دسته‌های گوناگون در قرآن ناظر بر این امر است (سوره آل عمران، آیه ۱۹۱؛ سوره رعد، آیه ۲۲؛ سوره زمر، آیه ۱۸). زمانی دیگر امام رضا علیه‌السلام به عبدالعظیم حسنی می‌فرماید: «از طرف من به دوستانم سلام کاری، وی را تشویق به الگو گرفتن از آن می‌کند. امام رضا علیه‌السلام به عبدالعظیم حسنی می‌فرماید: «از طرف من به دوستانم سلام برسان و آنها را دستور بده به راست‌گویی و امانت‌داری و امر کن سکوت را پیشه خود سازند و از مجادله با یکدیگر بپرهیزند» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۹: ۲۳۰). در هر دو شیوه، مربی هر قدر از هنرمندی و مهارت بیشتری برخوردار باشد، در پردازش الگوهای مطلوب موفق‌تر



خواهد بود. خداوند متعال با اسلوب‌های متنوع در قرآن، به این حقیقت اشاره کرده است. چنان که مؤمنین را امر به عبادت خدا (سوره نساء، آیه ۴۰)، برپا داشتن نماز و دادن زکات (سوره بقره، آیه ۴۰)، طلب آموزش از خداوند (سوره نساء، آیه ۱۰۶) و دیگر امور می‌کند.

۳- شناخت اضداد الگو

یکی از راه‌های شناخت، شناخت اضداد است و شناخت الگوی مطلوب هم از این قاعده مستثنی نیست. یعنی با وقوف بر الگوهای بد و ویژگی‌های نامطلوب آنان، می‌توان به حقانیت و درستی الگوهای مثبت پی برد که همین آگاهی، زمینه را برای تبعیت و پیروی از الگوهای مطلوب فراهم می‌کند. امام رضا علیه‌السلام نیز زمانی با ارائه الگوهای منفی و توصیف عواقب سوء آنها نوعی نگرش مثبت در جهت عکس آنها در مخاطب ایجاد می‌کند. در چنین مواردی، طبیعتاً پدیدآوری نگرش مثبت نسبت به الگوهای متقابل امری عادی است. در سیره رضوی شاهد این شیوه از تربیت الگویی، به اشکال مختلف هستیم و امام رضا علیه‌السلام در قالب بیان صفات، خصوصیات و نشانه‌های الگوهای منفی، سعی در دور کردن جامعه از آن الگوها دارد. از منظر ایشان بدترین مردم کسی است که از بخشش منع می‌کند، تنهایی می‌خورد و بندهاش را تازیانه می‌زند (حرانی، ۱۳۸۹ هـ: ۳۳۰) و در روایت دیگر، جدال‌کنندگان در دین خدا را مورد لعن خدا و پیامبر می‌داند (صدوق، ۱۳۷۲، ۲: ۴۷) و در پاره‌ای دیگر از اوقات با نهی مستقیم، مخاطب را از همراهی و مصاحبت با الگوهای بد منع می‌کند. این همراهی در روایت شیخ مفید به چشم می‌خورد؛ آنجا که امام رضا علیه‌السلام در مجالس خصوصی با مأمون، او را نصیحت کرده و از عذاب الهی بیم می‌داد و به خاطر کارهای خلافش به نکوهش او می‌پرداخت (مفید، بی‌تا: ۹۵-۹۴). در روایت دیگر، امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به مأمون که درخواست موعظه کرده، چنین می‌نویسد: «به راستی که تو در دنیایی هستی که مدت ماندنت در آن محدود است و در همین مدت، عمل هر عمل‌کننده‌ای مورد پذیرش است. آیا نمی‌بینی که مرگ از هر سو این دنیا را فرا گرفته و آرزوهای آرزومندان را پیوسته سلب می‌کند. در این دنیا برای رسیدن به اموال نفسانی و شهوات شتاب می‌کنی؛ در حالی که توبه و بازگشت به سوی خدا را به تأخیر می‌اندازی و مرگ ناگهان به سوی اهلش فرا می‌رسد. اینگونه نیست عمل شخصی که دوراندیش و عامل باشد» (همان). آنچه در این شیوه مهم است، توجه به حساسیت کار است که دقت و مهارت مربی را می‌طلبد. مربی نباید الگوی منفی را به گونه‌ای ارائه دهد که در نظر مربی، مطلوب جلوه کند و در نتیجه به الگوبرداری از آن بپردازد.

ایجاد زمینه برای مقایسه و سنجش، به گونه‌ای که انسان با توجه به فطرت سلیم خود به حقانیت و اعتبار یک گروه یا یک سخن پی ببرد، یکی دیگر از تدابیری است که امام رضا علیه‌السلام برای رشد قوای فکری و عقلی مخاطبان در نظر می‌گیرد. به دیگر سخن در یادگیری مطالب، ارتباط میان مفاهیم، نقش اصلی را به عهده دارد. به این معنا که هرگاه انسان موفق شود میان چند مفهوم، رابطه موجود را کشف کند، ذهن او از این ارتباط منطقی به مفهوم جدیدی می‌رسد، آن را دریافته و اصطلاحاً فرا می‌گیرد. در این میان، مفاهیم مخالف یا مشابه، سهم بیشتری را برای کمک به ذهن در یادگیری مفاهیم جدید دارا هستند. در سراسر قرآن دو چهره نیک و بد، ایمان و کفر، عدالت و ظلم و به طور کلی حق و باطل در کنار هم معرفی شده‌اند تا معرفت هر دو راحت‌تر امکان‌پذیر شود. امام رضا علیه‌السلام نیز در مقایسه بین بخیل و سخی فرموده است: «سخی از طعام مردم می‌خورد تا از غذای او بخورند. اما بخیل از غذای آنها نمی‌خورد تا از غذای او نخورند» (صدوق، ۱۳۷۲، ۲: ۱۲). همچنین در روایت دیگر به این مطلب چنین اشاره داشته است: «سخت‌مند به خدا، بهشت و مردم نزدیک و از آتش دور است؛ لکن بخیل از بهشت و مردم دور و به آتش نزدیک است» (همان).



اصول و قواعد خاص در باب روش الگوسازی

ثمربخشی و کارآمدی هر روش، به رعایت و به کارگیری اصول و قواعدی بستگی دارد. این قواعد گاه جنبه عمومی دارد که رعایت آن در تمام روش‌ها لازم و ضروری است و باید در جای خود مورد بحث و بررسی قرار گیرد و گاه قواعد خاصی است که در پرتو رعایت آنها مفید و نتیجه‌بخش می‌شود. در اینجا به مواردی از اصول و قواعد خاص در باب روش الگوسازی اشاره می‌کنیم:

۱- بصیرت و انتخاب‌گری

الگوگزینی هر چند متضمن پیروی از غیر است، اما این پیروی هرگز نباید با بی‌خبری و کوردلی همراه باشد. بصیرت در این روش، پیش‌فرضی اساسی است. چنان که خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ بگو: «این راه من است من و پیروانم و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم! منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم!»» (سوره یوسف، آیه ۱۰۸). یعنی من نه بر اساس تقلید که با یقین، معرفت و حجت قاطع، شما را به توحید و عدالت می‌خوانم و این سیره من و سیره هرکسی است که به من ایمان آورد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵: ۴۱۱). نکته حائز اهمیت این است که قرآن پیروی و تقلیدی که بر مبنای اندیشه و تعقل و بصیرت باشد را تأیید کرده و پیروی کورکورانه و تقلید غیربصیرانه را مورد مذمت قرار می‌دهد. بر این اساس اندیشمندان اسلامی بر این باورند که تقلید بر دو قسم «ممنوع» و «مشروع» است. تقلید ممنوع همان پیروی کورکورانه از محیط و از روی عادت است که در قرآن مذمت شده است (مطهری، ۱۳۶۱: ۹۰). در برابر چنین اسوه‌گزینی نادرستی، خداوند در قرآن به بازبینی و گزینش در مقام اقتدا، دعوت می‌کند و می‌فرماید: «وَلَيْكُمُ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَفْتَدِهِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن! (و) بگو: «در برابر این (رسالت و تبلیغ)، پاداشی از شما نمی‌طلبم! این (رسالت)، چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست! (این وظیفه من است)»» (سوره انعام، آیه ۹۰). امام رضا علیه‌السلام ذیل این آیه می‌فرماید: «من از کسانی هستم که خداوند در کتابش فرموده به هدایت آنان اقتدا کن» (عیاشی، بی‌تا، ۱: ۳۸۶). بدین منظور مربی در روش الگویی باید ترتیبی اتخاذ کند تا در عین انقیاد و اطاعت، روحیه انتقاد و پرسشگری در مرتبه تقویت شود و با بصیرت و منطق، الگوبرداری نماید. به عبارت دیگر این روش متوقف بر علم و آگاهی است و علم و آگاهی و معرفت نیز از طریق تفکر و تعقل به دست می‌آید. از این رو سراسر قرآن مشحون از آیاتی است که انسان را به تفکر، تعقل، بصیرت و معرفت دعوت می‌نماید. ذکر کلماتی همچون «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» در آیه ۴۴ سوره بقره «اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؛ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید! آیا نمی‌اندیشید؟!» (سوره بقره، آیه ۴۴)، «تُبْصِرُونَ» در آیه ۷۲ سوره قصص «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٌ تُسْكِنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؛ بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودان کند، کدام معبود غیر از خداست که شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا نمی‌بینید؟!»» (سوره قصص، آیه ۷۲) وی «تَدْبِرُونَ» در آیه ۸۴ سوره نساء «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسُكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بِأَسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا؛ در راه خدا پیکار کن! تنها مسئول وظیفه خود هستی! و مؤمنان را (بر این کار)، تشویق نما! امید است خداوند از قدرت کافران جلوگیری کند (حتی اگر تنها خودت به میدان بروی)! و خداوند قدرتش بیشتر و مجازاتش دردناک‌تر است» (سوره نساء، آیه ۸۴) در آیات قرآن، بهترین شاهد بر این ادعاست.

همچنین مناظره سلیمان مروزی، از متکلمین خراسان، با امام رضا علیه‌السلام گویای این مطلب است. زمانی که امام از وی می‌پرسد: ای سلیمان چطور بداء را قبول نداری با اینکه خدا در قرآن می‌فرماید: «وَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا؛ آیا انسان به خاطر نمی‌آورد که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟!» (سوره مریم، آیه ۶۷)، «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ او کسی است که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را بازمی‌گرداند و این کار برای او آسان‌تر می‌باشد و برای اوست توصیف برتر در آسمان‌ها و زمین و اوست توانمند و حکیم!» (سوره روم، آیه

۲۷، «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ هستی بخش آسمان‌ها و زمین اوست! و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می‌گوید: «موجود باش!» و آن، فوری موجود می‌شود» (سوره بقره، آیه ۱۱۷)، «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ (گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می‌کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته‌ایم!» اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند!» (سوره توبه، آیه ۱۰۶؛ صدوق، ۱۳۷۲، ۱: ۳۶۴-۳۷۰). پرسیدن این سؤالات آن هم با چنین لحنی، موجب شد تا مخاطب قدری به خود آمده و در عقاید و اندیشه خود تأمل بیشتری کند و همین کنکاش و تلاش، گاه مقدمه‌ای برای نیل به حقیقت می‌شد. این بحث ادامه پیدا می‌کند تا در انتها سلیمان رو به مأمون کرده و می‌گوید: «از امروز به بعد به خواست خدا بداء را انکار نخواهم کرد و آن را دروغ نخواهم پنداشت» (همان). در واقع مریبان زمانی با بیانات عتاب‌آمیز، مخاطب را متذکر غفلت‌ها و جهالت‌های خود کرده و او را به سمت حقیقت رهنمون می‌شدند. در مناظره دیگری که بین امام رضا علیه‌السلام با ابن جهم درباره عصمت انبیا علیهم‌السلام مطرح شده، ایشان فرمودند: «ای وای! بیچاره علی بن جهم! از خدا بترس و زشتی‌ها را به انبیاء خدا نسبت نده و کتاب خدا را با رأی خودت تأویل و تفسیر نکن». خداوند فرموده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ؛ او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» [= صریح و روشن] است؛ که اساس این کتاب می‌باشد؛ (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می‌گردد). و قسمتی از آن، «متشابه» است [= آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می‌رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می‌گردد]. اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می‌گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند (و این حقیقت را درک نمی‌کنند).» (سوره آل عمران، آیه ۷). سپس به ایرادات او پاسخ می‌دهد، به طوری که ابن جهم در انتها اذعان می‌دارد: یا «ابن رسول الل (ص)، من توبه می‌کنم از اینکه از این به بعد درباره انبیاء خدا به غیر از آنچه شما گفتید سخنی بگویم» (صدوق، ۱۳۷۲، ۱: ۳۹۰-۳۹۱).

۲- دستیابی به الگوهای دینی تربیتی

در فرایند تربیت دینی، الگوهای دینی کمتر عقلانی و دست‌یافتنی جلوه می‌کنند و بیشتر جنبه تحمیلی و عارضی به خود می‌گیرند و به گونه‌ای اسطوره‌های مطرح می‌شوند که نه تنها دستیابی به آنها، بلکه پیروی از آنها نیز سخت به نظر می‌رسد. اسطوره جلوه دادن این الگوها و بزرگان دینی سبب عدم الگوگیری واقعی از آنان می‌شود (سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۰: ۱۰۳). همین جنبه بشری باعث می‌شود الگوها به طور دائم در میان انسان‌ها و در بحبوحه زندگانی آنها حضور داشته و افراد به شکل مستمر در معرض رفتارها، برخوردها، آموزش‌های آنها باشند و این امر انسان را به الگوگیری از الگو راهنمایی می‌کند. درباره سیره رضوی چنین نقل شده که در تابستان بر حصیر و در زمستان بر زمین هموار می‌نشست و لباس خشن می‌پوشید، اما در برابر مردم آن را زینت می‌کرد (صدوق، ۱۳۷۲، ۲: ۱۷۸). در روایت دیگر آمده که در کنار سفره‌اش، دستمالی قرار می‌داد و از بهترین‌های سفره‌اش در آن دستمال می‌گذاشت و مساکین را به آن می‌خواند و آیه «فَكَ رَقَبَةً؛ آزاد کردن برده‌ای» (سوره بلد، آیه ۱۳) را تلاوت می‌کرد و می‌فرمود: «خداوند می‌داند که هرکسی قادر به آزاد کردن بنده نیست. پس این را راهی برای بهشت قرار داده است» (کلینی، ۱۳۸۸هـ ق: ۴: ۵۲). این هماهنگی از زندگی و نیازها و تمایلات ذاتی، به وجود آورنده بستگی و پیوستگی عمیقی میان اسوه و پیروان است که از آن به رابطه اسوه و متأسی تعبیر می‌کنند.



۳- ارائه الگو متناسب با مخاطب

در روش الگوبرداری، پردازش‌ها و ترسیم‌ها از الگو باید رسا و واضح باشد؛ چرا که گنگ بودن و نارسایی ترسیم‌ها موجب می‌شود مربی نتواند به طور صحیح الگوبرداری کند. به تعبیر دیگر وقتی از معرفی و ارائه الگوها به مربیان سخن می‌رود، طبیعتاً نخستین مؤلفه-ای که به ذهن خطور می‌کند، ارائه تبیینی در خور شخصیت مربیان است. این همراهی را می‌توان در روایتی از امام رضا علیه‌السلام دنبال کرد؛ آنجا که به یکی از یارانش می‌فرماید: «در مورد توحید و غیر آن با مردم با آنچه می‌شناسند صحبت کن و از آنچه ناخوش می‌دارند و انکار می‌کنند بحث نکن» (صدوق، ۱۳۸۲: ۹۵). به همین منظور امام رضا علیه‌السلام هنگام ارائه پاسخ به سؤالات، سطح فهم مخاطب را در نظر می‌گرفت؛ زیرا ارزیابی و سنجش مخاطب به معنای شناخت دریافت‌کننده و گیرنده پیام، یکی از عناصر مهم و تعیین‌کننده در عرصه تعلیم مفاهیم دینی است. توجه به این نکته که چه چیز را، برای چه کسی، در چه زمانی، به چه میزان و با چه هدفی در اختیار مخاطبان قرار دهیم، از اصول مهم در روش الگویی است. آن حضرت وظیفه خویش را تکلم به میزان عقول مخاطبان دانسته و با درک صحیح از تفاوت استعداد و توان وجودی انسان‌ها، گاهی بدون ورود به مباحث پیچیده علمی و تعرض به ظرافت‌های فنی و تخصصی، به پاسخگویی مشکلات و معضلات فکری و عقیدتی آنان می‌پرداخت. چنانکه احمد بن محمد می‌گوید به امام رضا نامه نوشتیم و سؤالات بسیاری را با ایشان در میان گذاشتیم. امام رضا علیه‌السلام در پاسخ فرمود: آیا از کثرت سؤالات نهی نشده‌اید، در حالی که قبل از شما به این علت به هلاکت رسیدند. آنجا که خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی که چون برای شما آشکار شوند، اندوهگین‌تان می‌کنند، بپرسید» (سوره مائده، آیه ۱۰۱؛ عیاشی، بی‌تا، ۱: ۳۴۶). توضیح مطلب آنکه امام رضا علیه‌السلام با تشخیص ضرورت در مقابل بعضی از مخاطبان صرفاً به پاسخی اقماعی اکتفا می‌کرد و از بیان پاسخ تفصیلی و عمیق علمی خودداری می‌فرمود.

آفات الگوبذیری

الگوبذیری، گرچه از اهمیت بس شگرفی برخوردار است، اما همچون هر امر مثبت دیگری می‌تواند دستخوش آفت شده، زمینه خسارت-های عظیمی را فراهم آورد. از این روی مهم‌ترین این آفات را بر می‌شمریم.

۱- الگوبذیری کورکورانه از نیاکان

پدر و مادر، نخستین الگوهای آدمی هستند. کودک، والدین خویش را هم از لحاظ قدرت و هم از لحاظ علمی بسیار برتر از خود می‌بیند و به تجربه در می‌یابد که پیروی از پدر و مادر فواید بسیاری برای وی دارد. از این رو می‌پندارد همه چیز را باید از پدر و مادر آموخت و در هر زمینه‌ای باید از آنها پیروی کرد. اگر این خصلت پیروی مطلق و بی‌چون و چرا از آباء و اجداد در سال‌ها و مراحل بعدی و بالاتر زندگی پابرجا بماند، باید گفت که شخص هنوز در دوران طفولیت به سر می‌برد و در زمینه الگوبذیری دچار آفت عظیم و انحراف وسیع شده است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۴۵). این رسم ناپسند که نسل آینده بدون اندیشه و تأمل در میراث اعتقادی گذشتگان، کورکورانه از آن تقلید و پیروی کند، علاوه بر آنکه سبب پایبند ماندن به اصول و سنن و عقاید نادرست می‌شود، از طرف دیگر سبب می‌شود که آنها در برابر هر جنبش اصلاح‌طلبانه‌ای که قصد دنیای کهن را می‌کند، کمر ستیزه بسته و خرد را جامد و تکامل را عاطل گذارند. قرآن کریم در آیات متعددی از این آفت سخن گفته و کسانی را که دچار آن هستند، سخت مورد مذمت و نکوهش قرار می‌دهد (سوره مائده، آیه ۱۰۴). طالقانی توارث و تقلید را سبب رسوخ بدی‌ها و زشتی‌ها و سنن عقب‌مانده و پست را که از آثار گامهای شیطان است، بستن راه تحرک و اندیشه آزاد بر مقلدین و آیندگان می‌داند و چنین می‌گوید: «اگر راه و روش گذشتگان بر مبنای عقل و هدایت باشد، تقلید از آنها رواست و در غیر این صورت تقلید، پیروی و عقب‌گردی است» (طالقانی، ۱۳۶۲، ۲: ۴۲). به همین سبب خداوند متعال در هیچ بخشی از قرآن بندگان خود را به بندگی کورکورانه مأمور نکرده و از آنها ایمان جاهلانه نخواست است؛ چرا که شأن دین مخالف با کوری و نادانی است و ایجاد بینایی و دانایی و گام نهادن در مسیر هدایت و پیروی از حق را دنبال می‌کند.

جدال ابوقره مسیحی با امام رضا علیه‌السلام مؤید همین مطلب است. وی از امام رضا علیه‌السلام می‌خواهد درباره فرقه‌ای که ادعائی دارد و فرقه دیگری از غیر ایشان که خود به عدالت معرفی شده‌اند و آنان را در ادعایشان تصدیق می‌کنند، نظرش را بگوید. حضرت رضا فرمودند: ادعایشان ثابت است. مرد گفت: فرقه دیگری ادعائی دارند و شاهی پیدا نمی‌کنند که آنان را تصدیق کند مگر از خودشان، اینان چه؟ فرمود: ادعایشان مردود است. مرد گفت: اینک ما و شما، ما ادعا می‌کنیم که عیسی روح الله و کلمه اوست که به مریم القاء نمود. مسلمانان با ما در این ادعا موافقت و ما را تصدیق می‌کنند، ولی مسلمانان مدعی آنند که محمد پیامبر و فرستاده خداست و ما آنها را تصدیق نمی‌کنیم و آنچه را که هر دو فرقه موافقت بر آنچه یک فرقه فقط ادعا می‌کنند برتری دارد. حضرت فرمودند: ما به عیسی بن مریم و روح الله و کلمه خدایی ایمان داریم که به محمد (ص) ایمان داشته و مژده آمدن او را داده است و خود اقرار کرده که بنده است و پروردگاری دارد. پس اگر آن عیسی که تو به او اقرار داری این چنین نیست که به محمد ایمان آورده باشد و اقرار به عبودیت کرده و خدا را پروردگار خود بداند، ما از چنین عیسایی بیزاریم! پس کجا بر آن اجماع داریم؟ ابو قره برخاست و به صفوان بن یحیی گفت: برخیز! این مجلس ما را بی‌نیاز نکرد و ما به سود و نفع خود از آن بهره نبردیم و برای ما ثمربخش نبود (صدوق، ۱۳۷۲، ۲: ۵۵۸-۵۵۹).

۲- الگوپذیری از باطل

آفت دیگر این است که شخص برای حفظ رابطه مودت‌آمیز خود با دیگران یا به قصد ایجاد مناسبات دوستانه با آنها، مقبولاتشان را که خلاف دین، حق و حقیقت است پذیرا شود؛ یعنی از حق جدا شود تا به خلق ببیوندد. حضرت ابراهیم علیه‌السلام قوم خویش را به همین جهت مورد نکوهش قرار می‌دهد و می‌فرماید: «وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (ابراهیم) گفت: «شما غیر از خدا بتهایی برای خود انتخاب کرده‌اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس روز قیامت از یکدیگر بیزاری می‌جوید و یکدیگر را لعن می‌کنید و جایگاه (همه) شما آتش است و هیچ یار و یآوری برای شما نخواهد بود!» (سوره عنکبوت، آیه ۲۵). در نگاه مفسرین پرستش‌بها توسط کفار به سبب حفظ دوستی و محبت دنیایی ایشان نسبت به بت‌هاست (ابن عطیه، ۱۴۲۲ هـ ۴: ۳۱۳؛ طوسی، بی‌تا، ۸: ۱۹۹).

قرآن کریم بسیاری از انسان‌ها را مقلد شخصیت‌ها و چهره‌های وجیه و دارای حیثیت اجتماعی می‌داند که شایستگی تقلید ندارند و در نتیجه باعث گمراهی دیگران می‌شوند. برای مثال، از قول کافران جهنمی نقل کرده است که می‌گویند: «پروردگارا، ما مهتران و بزرگان خویش را فرمان بردیم و آنها ما را گمراه ساختند» (سوره احزاب، آیه ۶۷). در نگاه آلوسی، اشاره به پادشاهان و افرادی دارد که تدبیر امور مردم به دست آنان است و رؤسایی هستند که انسان‌ها از ایشان انواع شر و بدی را می‌آموزند (آلوسی، ۱۴۱۵ هـ ۱۱: ۲۶۸).

هم‌نوایی و هم‌صدایی با یک رأی و عقیده که دارای اکثریت است، بدون در نظر گرفتن اینکه آن عقیده حق یا باطل است، یکی دیگر از آفات مهم تقلید است که اکنون در عصر رواج دموکراسی و مردم‌سالاری شیوع فراوانی دارد. در بعد روانشناسی اجتماعی مهم‌ترین علتی که برای هم‌نوایی با اکثریت به نظر می‌رسد عبارت از شیفتگی نسبت به اکثریت، وحشت از تنهایی و ماندن در اقلیت است. با توجه به همین واقعیت، انسان غالباً از تنهایی و در اقلیت ماندن احساس ترس و وحشت می‌کند. علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: آراء اکثریت در برابر آراء اقلیت همیشه حق نیست؛ بلکه ممکن است در مواردی با حق همسو باشد و ممکن است در موارد دیگر چنین نباشد. شایسته نیست انسان خود را همواره سر سپرده اکثریت بداند و رأی آنان را میزان و معیار درستی آن قرار دهد. بلکه آنچه ضرورت دارد شناخت حق و پیروی از آن است، چه مطابق با خواست اکثریت باشد یا نباشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ هـ ۴: ۱۰۴). چنان که در مناظره امام رضا علیه‌السلام با علی بن جهم در موضوع عصمت انبیاء علیهم‌السلام حضرت رضا علیه‌السلام از او می‌خواهد نظر افرادی که با وی هم عقیده‌اند را در مورد داوود بیان کند. علی بن جهم در پاسخ می‌گوید: «ما قائلیم داوود در محرابش مشغول نماز بود که ابلیس به شکل پرنده‌ای بسیار زیبا در مقابلش ظاهر شد. داوود نماز خود را شکست و برخاست تا پرنده را بگیرد. پرنده به حیاط رفت. داوود هم به دنبالش از اتاق خارج شد. پرنده به پشت بام پرید. داوود هم در طلب پرنده به پشت بام رفت. پرنده از آنجا به داخل حیاط اوریا بن حنّان پرید. داوود با نگاه خود پرنده را دنبال کرد و در این حال چشمش به همسر اوریا که مشغول غسل بود افتاد و به او علاقمند شد. از



طرفی، قبلاً اوریا را به جنگ فرستاده بود. داوود به فرمانده لشکر نامه‌ای نوشت که اوریا را جلوتر از تابوت عهد بفرست. فرمانده نیز چنین کرد. اوریا بر مشرکین پیروز شد و این مطلب بر داوود بسیار گران آمد. لذا مجدداً نامه‌ای نوشت و دستور داد تا اوریا را جلوتر از تابوت بفرستند. فرمانده نیز این بار اوریا را جلوتر فرستاد و اوریا کشته شد و داوود با همسر او ازدواج کرد. راوی گوید حضرت رضا علیه‌السلام با دست بر پیشانی خود زدند و فرمودند: شما پیامبری از پیامبران خدا را به تهاون و سبک شمردن درباره نماز نسبت دادید به گونه‌ای که می‌گویید: نماز را رها کرده به دنبال پرنده‌ای رفت. سپس او را به فحشا و قتل نیز نسبت دادید (صدوق، ۱۳۷۲، ۱: ۳۹۶).

۳- ناهماهنگی بین گفتار و رفتار الگوها

ناماهنگی و تطابق نداشتن گفتار و رفتار الگوها، آسیب دیگری است که برای این روش در نظر گرفته می‌شود. بنابراین از جمله توصیه‌های مهم اسلام، هماهنگی و انطباق گفتار و کردار به ویژه برای مبلغان است و شرط اساسی تأثیر دعوت، التزام مبلغ به پیام خود دانسته شده است. چون از نظر تربیتی، انسان‌ها باید با دیدن و نیامدن را کمتر از اوامر دیگران می‌آموزند، این اعمال دیگران است که ضوابط زیستن و هنجارهای اخلاقی را به ما می‌آموزاند. چنین است که سخن و دعوت بدون عمل از نگاه قرآن مطرود است و خداوند به کسانی که می‌گویند و عمل نمی‌کنند، طعنه زده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؟» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! (سوره صف، آیه ۲). این موضوع مهم در شیوه الگویی به خوبی قابل دستیابی است. چنانچه اسوه انسانی با رفتار، برخورد، عکس‌العمل و هر حرکت خود، محتوای تبلیغ خویش را عینیت می‌بخشد و مخاطبان با مشاهده این هماهنگی میان پیام و پیام‌گزار، به تبعیت او ترغیب می‌شوند. امام رضا علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «بهترین مردم از لحاظ ایمانی، بهترینشان از حیث اخلاق و مهربانترین با خانواده‌اش است و مهربانی من با خانواده‌ام بیشتر از شماست» (صدوق، ۱۳۷۲، ۲: ۳۸).

۴- الگوگیری کامل از الگوهای ناقص

یکی دیگر از آفات این روش این است که الگوپذیری معمولاً با دیدن یک ویژگی مثبت در فردی، وی را در تمام جهات شایسته پیروی می‌داند. برجستگی این ویژگی در فرد، جهات منفی او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و الگوپذیر ناخودآگاه به الگوبرداری از آنها نیز می‌پردازد. البته هر چه نمونه ارائه شده از کمال بیشتر و از جاذبه فراگیرتری بهره‌مند باشد، روش الگویی مطلوب‌تر و از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود. بنابراین بهترین الگو، نمونه‌ای تام و انسانی کامل است که الگوهای دیگر نیز باید آدمی را بدین سمت هدایت کنند (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ۲۶۳). بر این اساس خداوند علاوه بر هدایت و تربیت عمومی که نسبت به همه انسان‌ها مبذول داشته، تربیت ویژه‌ای نیز به برگزیدگان خود اختصاص داده که انبیاء، اوصیاء و اولیاء را شامل می‌شود؛ زیرا آنان الگوی «انسان کامل» و «امام» برای دیگر انسان‌ها هستند و به این دلیل باید نسخه برتر و نمونه اکمل و مصون از خطا و انحراف باشند تا رهبری جامعه بر قامت آنان راست آید و این جز در سایه تربیت ویژه الهی میسر نخواهد بود. نقش الگوهای کامل در تربیت، نشان دادن راه رستگاری و سعادت حقیقی است؛ زیرا آنان دین را چنان که باید درک کرده و به کار گرفته‌اند و فهم درست دین و جامعیت آن و شکل صحیح آن در اندیشه و راه و رسم آنان جلوه دارد. به همین دلیل امام رضا علیه‌السلام در مورد اهل بیت علیهم‌السلام چنین فرموده است: «ما سزاوارترین مردم به خدا و کتاب و دین او هستیم. ما کسانی هستیم که خدا دینش را برای ما تشریع کرد و فرمان داد که دین را برپا داریم و در آن تفرقه نکنیم» (صفا، ۱۳۸۰ هـ: ۱۱۹).



نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، مطالعه انواع الگوهای تربیتی نوجوانان بر اساس نگرش اسلامی با تأکید بر سیره رضوی بوده است. در ایجاد تربیت دینی، به ویژه تربیت عبادی در نوجوانان که یکی از عوامل مهم تربیتی است، عوامل زیادی دخیل است. نوجوانان باید با فردی که بتوانند با او پیوند عاطفی برقرار کنند، هم‌ذات‌پنداری کنند. نوجوانان عمیقاً به رفتار الگوهای ایده‌آل خود علاقه مند و کنج‌کاو هستند و ایده‌آزنامایی چنین رفتاری را در ذهن خود پرورش می‌دهند. هرچه الگوهای بزرگسالان برای نوجوان مطلوب‌تر و محبوب‌تر باشد، تأثیر آن بالاتر و پایدارتر می‌شود. نوجوانان رفتار الگوهای ایده‌آل خود را بسیار دوست دارند و می‌خواهند با آنها هم‌ذات‌پنداری کنند و داوطلبانه و غیرارادی سعی می‌کنند مانند آنها رفتار کنند یا به گونه‌ای فکر کنند، بگویند و رفتار کنند که مورد علاقه و تایید آنها باشد. الگوپردازی از شخصیت نوجوان بر دو عامل استوار است: ۱. ارائه الگوی رفتاری شایسته و پذیرفته شده به او. ۲. تبیین و ارائه الگوهای مورد انتظار جامعه. جوانان نظام ارزشی و رفتاری الگوهای بزرگسال را به عنوان یک هدف رفتاری مطلوب می‌پذیرند، به ویژه زمانی که رفتار الگوها، طرح کلی سبک زندگی متعالی و پاسخی به نیازهای فطری آنها باشد. وقتی الگوهای رفتاری نوجوانان با تکریم، تکریم و در عین حال باز و خندان ارائه می‌شود و به عبادت و اعمال عبادی می‌پردازند، نوجوانان با انگیزه فراوان سعی در یادآوری این الگوهای رفتاری دارند و میل به بازآفرینی این رفتارها را می‌توان از چشم ناظر آنها در این روش مربی سعی می‌کند نمونه رفتار و کردار پسندیده را در معرض دید نوجوان قرار دهد و بدین ترتیب او را به پیروی و ایجاد حالت خوب در خود با توجه به اعمال الگو تبدیل می‌کند.

انتخاب و تعدیل زمینه‌ها و شرایط، عاملی تسهیل کننده برای شکل‌گیری رفتارهای مطلوب در انسان است. در این روش آموزشی به احتمالات بالقوه توجه می‌کنیم؛ بر اساس این روش، شرایطی که شکل‌گیری حالات و رفتارهای مطلوب و رفع رفتارهای نامطلوب را تسهیل می‌کند، باید به نحو مناسبی دگرگون و تغییر یابد. انسان تحت تأثیر شرایط محیطی مختلف از جمله شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی قرار دارد. در واقع انسان هم از نظر ظاهر و هم از نظر درونی تحت تأثیر شرایط است. برای رفع برخی از حالات و رفتارهای نامطلوب و همچنین ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان، باید شرایط محیطی آنها را دستکاری کرد. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت یکی از روش‌های آموزشی برای بهبود شرایط، روش زمینه‌سازی است. زمینه‌سازی یعنی با اقدامات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود زمینه تربیت عبادی در نوجوانان را فراهم کنیم. تربیت، شکوفایی استعدادها و سوق دادن آنها به سوی کمال مطلوب است. آموزش ضروری ترین نیاز انسان در زندگی است. بدون آموزش صحیح، انسان راه به جایی نمی‌برد، از باغ زندگی خود میوه‌های شیرین نمی‌چیند و از میوه درخت وجودش طعم دیگران را شیرین نمی‌کند و بالاتر از همه، خواهد داشت. معنی انسانیت را نمی‌فهمد به بلندترین قله های بشریت نمی‌رسد. بنابراین تربیت عالی ترین هدف پیامبران و اساسی ترین پیام کتب و اولین و ضروری ترین وظیفه والدین است.

منابع

- آلوسی، م. (۱۴۱۵ هـ). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شعبه الحرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول. چاپ دوم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن عطیه، ع. (۱۴۲۲ هـ). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۱). سلوک علوی. چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- امامی، زهرا (۱۳۹۹). زمینه‌ها و عوامل مؤثر در تربیت دینی فرزندان با تأکید بر نقش زنان. همایش ملی نقش زنان در گام دوم انقلاب/اسلامی، سمنان.
- بیانی، علی؛ و سبحانی، ریحانه (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی و دین‌پذیری کودکان. اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین/ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی، شیراز.
- جعفریان، ر. (۱۳۸۳). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه. قم: انتشارات انصاریان.
- حرانی، ابومحمد (۱۳۸۹). تحف العقول عن آل الرسول (ص). ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: نشر آل علی (ع).
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. ج ۲، ۱۵، ۲۰، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حسینی، افضل‌السادات؛ حیدری، سمیرا (۱۴۰۰). تربیت اخلاقی کودک و نوجوان: با تأکید بر رویکرد اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- خادمی‌ماشاری، آسیه (۱۳۹۷). آسیب شناسی تربیت دینی فرزندان با تأکید بر نقش والدین در قرآن و روایات. پایان‌نامه سطح سه حوزه، مدرسه فاطمه معصومه «س» بندرعباس، هرمزگان.
- خواجه‌بوی‌بازمانده، علی؛ ابوسعیدی‌منوچهری، علی؛ علوی‌رضوی، سیده‌زهرا؛ و کدخدازاده، زهره (۱۴۰۱). تربیت کودکان و نوجوانان با روش الگویی (با تأکید بر سیره معصومین علیهم السلام). سیزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.
- خوانساری، محمد (۱۳۸۴). شرح غرر الحکم و درر الکلم. ج ۶، با تصحیح میرجلال‌الدین حسینی‌ارموی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- زارعی‌سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۰). سیره علمی و عملی امام رضا علیه السلام. مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- سادات‌نجومی، زهرا (۱۳۹۰). تربیت دینی کودکان و خانواده. ماهنامه پیوند، ۳۸۱، ۲۱-۲۳.
- سعیدی رضوانی، م. (۱۳۸۰). تأملی در باب تناسب نظام آموزش و پرورش با تربیت دینی. تربیت اسلامی، (۶)، ۱۳۲-۱۰۵.
- سلطانی، م. (۱۳۸۳). اسوه‌پذیری از نگاه قرآن. مجله کوثر، (۱۵)، ۴۹-۴۳.

- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره). چاپ دوم، تهران: مؤسسه‌ی نشر پنجره.
- شریفی، عنایت (۱۴۰۰). سبک و سیره امام رضا (ع) در تربیت اخلاقی افراد جامعه. مجله فرهنگ رضوی، ۹ (۳۳)، ۲۰۳-۲۲۴.
- شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه قمی (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه‌السلام. تهران: انتشارات جهان.
- شیخ صدوق (۱۳۷۲). ترجمه عیون أخبار الرضا، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: نشر صدوق.
- صفار، م. (۱۳۸۰ هـ). بصائر الدرجات. بی‌جا.
- طالقانی، م. (۱۳۹۲). پرتوی از قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سیدمحمد (۱۴۱۷ هـ). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن بن فضل (۱۳۷۲). مجمع البیان. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، م. (۱۴۰۰). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عطاردی‌قوچانی، عزیزالله (۱۴۱۳ق). مسند الامام الرضا ابی الحسن علی ابن موسی علیهما السلام. بیروت: دار الصفوة.
- علی‌پور، میکائیل؛ مرزی، صدیقه؛ و محبوبی، کمال (۱۴۰۲). بررسی شاخصه‌های تربیت و اخلاق اسلامی از منظر نهج‌البلاغه. نهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران، تهران.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۹۳). اصول الکافی. ترجمه حسین استادولی، ج ۵، چاپ چهارم، تهران: نشر دارالثقلین.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۸). الاصول الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- فلسفی، محمدتقی (۱۳۷۸). کودک از نظر وراثت و تربیت. چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). ینابیع الموده لذوی القربی. چاپ دوم، قم: منظمة الاوقاف و الشؤون الخیریة، دار الأسوة للطباعة و النشر.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۶). بحارالانوار. ج ۷۵، چاپ پنجم، تهران: نشر اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۴). بحارالانوار. ج ۷۶، چاپ چهارم، تهران: نشر اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحارالانوار. ج ۲۷، ۴۹، ۶۴، ۶۸، ۷۲ و ۷۸، بیروت: انتشارات الوفاء.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۱). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول (علیهم الصلاة و السلام). ج ۲۱، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). ده گفتار. تهران: انتشارات صدرا.



- مفید، م. (۱۴۱۰ هـ). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۲). آداب الصلوه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۳۹۱). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ترجمه حیدر دباغ، ج ۲۹، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۳۹۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ترجمه محمود قوچانی، ج ۳۲، چاپ ششم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۳۸۶). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ترجمه محمود قوچانی، ج ۳۰، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل. ج ۲، قم: نشر مؤسسه آل البيت (ع).
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۶۹). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ج ۱۵، چاپ اول، تهران: نشر آل البيت.
- هادیان رسنانی، الهه (۱۳۹۶). آسیب شناسی عوامل موثر بر تربیت دینی دختران. پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، ۸ (۲)، ۲۹-۴۶.



Studying various educational models for children and adolescents from an Islamic perspective with an emphasis on the Razavi tradition.

Zohre Thaqato al-Islami

Master of Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

Nemat Firoozi

Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

Azadeh Mahvelati

Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

Abstract

The aim of the present research is to study the types of educational models for children and adolescents from an Islamic perspective with an emphasis on the Razavi character. The research method is descriptive-analytical with an inferential approach. In Razavi's perspective, we witness this method of education in different forms; thus, at the time of Imam Reza, by presenting a model of himself or people who had achieved external fulfillment in the past and whose way of life in society enjoyed a certain prosperity and brilliance, they tried to present the desired behavior to the trainee in a practical way. The types of educational models for adolescents from an Islamic perspective with an emphasis on the Razavi character are related to insight and choice, the model of religious education, understanding the spirit of the adolescent, and the like. Imam Reza (peace be upon him) as the intellectual and behavioral model of Muslims, has proposed specific educational methods that the religious community needs to be familiar with these educational methods and customs and benefit from them for the growth and education of adolescents.

Keywords: Educational models, Razavi's character, children and adolescents